

سردبیر: فواد عبدالهی foadsjk@gmail.com
دبیر سازمان: جمال کمانگر jamalkamangar@yahoo.com

چهارشنبه ها منتشر می شود! ۱۸ اسفند ۱۳۸۴

www.jawanx.com

جوانان حکمتیست ۸۰



در گرامیداشت ۸ (هشتم) مارس!



آنها را از جست و خیز ممنوع میکنند؟ ریشه این تناقض کجا است؟ وجدان آگاه و پیشروی که هر روز در دفاع از حقوق حیوانات و رعایت حقوق مجرمین، سنگر جدیدی را تسخیر میکند از یک طرف، و تحجری که زن را از خیابانهای لندن و نیویورک تا کابل و تهران به حاشیه میراند او را تبدیل به خدمتکار مرد و آدم "غیر مهم" و قابل تعرض میکند، از طرف دیگر! واقعیت این است که این تناقض ریشه در تناقض پایه ای تری دارد.

مسئله وجود سیستم و نظامی است که با رشد وجدان آزاد و آگاه بشر متمدن، تناقض دارد. انسان، وجدان و ظرفیت غلبه بر این ستم قرون وسطایی و محو کامل نابرابری زن و مرد و پاک کردن این لکه ننگ و نفرت انگیز بر پیشانی جوامع امروزی، را دارد! اگر نمی تواند به این خاطر است که عده ای، مناسباتی و نظامی نمی گذارد. آنچه که مانع محو نابرابری زن و مرد است، سیستم و منفعتی است که از نابرابری زن و مرد سود به جیب میزند!

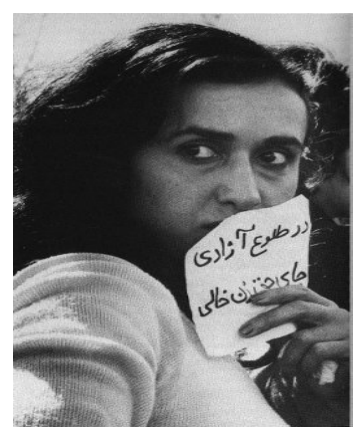
تا روزی و تا جایی که بتوان با بستن مهدکودک ها، سود کارخانه و موسسه را بالاتر برد، تا جایی و روزی که بتوان با پرداخت دستمزد کمتر به زن، هزینه تولید را کم کرد، تا روزی که بتوان با ایجاد تفرقه بین مردم بر اساس جنسیت شان، گریبان خود را از تامین غذا و نظافت و امر نگاهداری از کودکان خلاص کرد و آن را برگزیده نیم دیگر مردم انداخت، این ستم قرون وسطایی تولید و بازتولید میشود! هر جا در سطحی و به میزانی! جایی با زنانه - مردانه کردن کامل مشاغل و جایی با زنده بگور کردن دختران و پیچاندان آنها در حجاب و

روز جهانی زن، هشت مارس، روز اعلام جرم جامعه متمدن بشری علیه تبعیض و ستمی قرون وسطایی به نیمی از مردم است. روزی است که جهان باید بی هیچ پرده پوشی و تخفیف و بهانه ای، چشم در چشم ابعاد ریز و درشت، تبعیض به خاطر جنسیت از آفریقا، تا آمریکا و آسیا و اروپا، بدوزد. روزی است که جهان باید تحجری که در آن نیمی از مردم را به خاطر متولد شدن با جنسیت زن، کم ارزش تر میکند به مصادف بطلبد. روزی است که باید از خود پرسید چرا نیمی از مردم همه جا و در همه حال در خانواده و جامعه و مدرسه، در کوچه و خیابان، حتی در زندگی و در مرگ، در موقعیت درجه دو قرار دارند. روزی است که باید پرسید چرا و تا کی؟ چرا و تا چند قرن دیگر بشر "متمدن"، بشری که دستاوردهایش میتواند جهان را طی کمتر از یک دهه به یک دهکده جهانی تبدیل کند، نیمی از جمعیت خود را به خاطر جنسیت، تحقیر، کوچک، و کم ارزش میکند و به حاشیه میراند؟ چرا در جهانی که وجدان متمدنانه بشر مخالف رفتار خشن و بیرحمانه علیه حیوانات است، زن در گوشه دیگری سنگسار میشود؟ چرا در جهانی که مرز رفتار انسانی تا جایی پیشرفته است که نحوه کشتار حیواناتی که مردم از آنها تغذیه میکنند، ذائقه بسیاری را تعیین میکند، زن در خانه خود توسط نزدیکانش زیر مشت و لگد به قتل میرسد! چرا در جهان متمدنی که برای نجات انواع در حال انقراض حیوانات، مردم به حرکت در می آیند، زن تن فروش را لگدمال میکنند؟ چرا در جهانی که وجدان انسانی نمی پذیرد حیوانات خانگی را از هواخوری روزانه محروم کرد، حجاب بر سر دختر بچه ها میکنند و

بمناسبت ۸ مارس باید یکبار دیگر در جامعه اعلام شود که زنان و مردم ایران خواهان برچیدن کامل همه قوانین اسلامی از سنگسار تا چند همسری و قانون ازدواج دختران خردسال هستند. باید اعلام شود که مردم دیگر نمی پذیرند که زن انسان محسوب نشود، از حقوق و آزادیهای ابتدایی مانند حق طلاق، حق آزاد انتخاب همسر، حق تحصیل، مسافرت، حق حضانت کودک و... محروم باشد و اصلا شخصیت مستقل حقوقی در جامعه نداشته باشد.

بزرگترین و گسترده ترین جنبش در جامعه ایران تحت حکومت اسلامی، جنبش زنان برای لغو آپارتاید جنسی، حجاب اجباری و آزادی پوشش است. این جنبش دارای میلیونها فعال در جامعه است و میتواند و باید دارای صدها فعال و رهبر شناخته شده باشد. این نیروی گسترده باید یکصداتر و متحدتر گردد و فعالین و رهبران خود را به جامعه معرفی کند.

بمناسبت ۸ مارس باید کل جامعه یک گام دیگر به سوی رهایی زن بردارد و تحقق آرزوی میلیونها زن و مرد در ایران برای نابودی آپارتاید جنسی و آزادی زن را نزدیکتر سازد.



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۲ مارس ۲۰۰۶ - ۱۱ اسفند ۱۳۸۴

با رهبران حزب
کوروش مدرسی ص ۲

"سازمان دفاع از حقوق بشر در کردستان"

یک نهاد قوم پرست
محمد فتاحی ص ۲

مذهب توده ها یا طبقه حاکم
جمال کمانگر ص

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!



با رهبران حزب



طبقه کارگر را انتخاب کرد. پیروزی انقلاب اکتبر در مقابل تزار یا حتی دولت موقت کرنسکی نبود. در مقابل کل اردوی احزاب بورژوازی بود.

ما در متن این جنبش همگانی، صفوف طبقه کارگر را متشکل تر، آگاهی این طبقه را عمیق تر و گسترده تر و کشمکش اجتماعی را حول منافع جامع از دید پرولتاریا و از دید بورژوازی پلاریزه تر میکنیم، اکثریت مردم را متقاعد میکنیم که برای رسیدن به خواستههای شان باید به گرد پرولتاریا متحد شوند و حزب پرولتاریا را در بهترین موقعیت برای تصرف قدرت سیاسی قرار میدهم.

ثانیا - طبقه کارگر صنف نیست. طبقه کارگر قهرمان تاریخ هم نیست. موکل کسی هم نیست. طبقه کارگر بنا به موقعیت اجتماعی خود برای رهائی خود ناچار است بشریت (مردم) را رها کند. باید رهبر مردم شود. سوسیالیسم جنبش رهائی انسان است و نه فقط کارگر یا کمونیست ها. یک مشکل جدی چه رادیکال و همینطور سندیکیالیست ها این است که تصور شان از طبقه کارگر یک تصور صنفی است. طبقه کارگر یک طبقه اصلی جامعه است و جنبش کمونیستی یک جنبش اجتماعی که افقی را در مقابل کل جامعه قرار میدهد و نابرابری را در کل جامعه درمان میکند. بیانیه حقوق جهانشمول انسان بیانیه این طبقه و این جنبش است و مخاطب آن کل مردم است. قدرت طبقه کارگر و کمونیسم هم در همین است. در نتیجه ما (طبقه کارگر) باید به عنوان نماینده منفعت انسان و مردم ظاهر شویم. باید مردم را به زیر پرچم طبقه کارگر و پرچم کمونیسم بکشانیم. ما نسبت به مضمون طبقاتی برنامه و خواست های مان شک نداریم هنر ما باید این باشد کل مردم را به زیر این پرچم جمع کنیم. ما در انقلاب مان اعلام میکنیم که این انقلاب سوسیالیستی است اما در همان حال باید اعلام کنیم که این پیروزی انسان و پیروزی مردم است.

نشده است، تحركات اجتماعی مخلوط طبقات مختلف را بعنوان آلترناتیو برای رسیدن به یک هدف واحد (اینجا سرنگونی) جلو میکشد. در انقلاب ۵۷ ایران هم این را داشتیم. آن انقلاب یک انقلاب برای سرنگونی رژیم سلطنت و برای آزادی های سیاسی بود. انقلاب ۵۷ ایران یک انقلاب با مضمونی دمکراتیک و متکی به یک اعتراض عمومی مردم بود. طبقات مختلف از کانال جنبش های مختلف تلاش میکنند که پیروزی این جنبش را در راستای منافع خود تعریف کنند. این جنبش را به سکوی پرش به هدف نهائی خود تبدیل کنند. اما کماکان تلاش میکنند پیروزی جنبش سرنگونی را تعریف کنند. سلطنت طلب با پرچم پیروزی جنبش سرنگونی به میدان می آید و نه پرچم سلطان. فاشیست و قوم پرست با پرچم پیروزی جنبش سرنگونی به میدان می آید. همه جنبش ها و احزاب سیاسی تلاش میکنند که تا به نیروی این جنبش عمومی (مردم) به قبولانند که آرزوی آنها زیر پرچم این حزب و یا این جنبش قابل تحقق است. وقتی از مردم حرف میزنیم.

برای ما هم همینطور است. طبقه کارگر و کمونیست ها باید به عنوان رهبر این جنبش به میدان بیایند. باید این جنبش را به سکوی پرش به انقلاب سوسیالیستی تبدیل کنند. این یعنی انقلاب مداوم. بحث انقلاب مداوم هسته اساسی تاکتیک مارکس و لنین در برخورد به این جنبش ها است. یک جریان اجتماعی که واقعا بخواهد کاری کند نمیتواند ذهنیت خود را بجای واقعیت بنشانند. همانطور که نمیشود جنبش برای بیمه بیکاری یا آزادی تشکل یا رهائی زن را با سوسیالیسم جواب داد، همانطور که نیروی این جنبش ها فراتر بورژوازی قد علم کند. خواست ها میتواند کماکان مضمون دمکراتیک داشته باشند اما صف بندی سیاسی در جامعه حول پرولتاریا و بورژوازی است. آنطور که در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بود. خواست ها نان، صلح و زمین بود، اما کل بورژوازی در مقابل بلشویک ها به عنوان نمایندگان طبقه کارگر، و نه دهقانان یا زنان یا هیچ بخش دیگری از جامعه، قرار گرفته بود و جامعه در این تقابل سیاست و پرچم

جوانان حکمتیست: چرا در ادبیات حزب حکمتیست از پیروزی "مردم" در سرنگونی صحبت می کنید؟ یک حزب کمونیستی باید اساسا "طبقه کارگر" و نه مردم را نمایندگی کند؟ آیا این غلطیدن به پوپولیسم و ایجاد یک اتحاد طبقاتی نیست؟ هرژمونی طبقه کارگر و رهبری طبقاتی آن را چطور بر قرار خواهید کرد؟

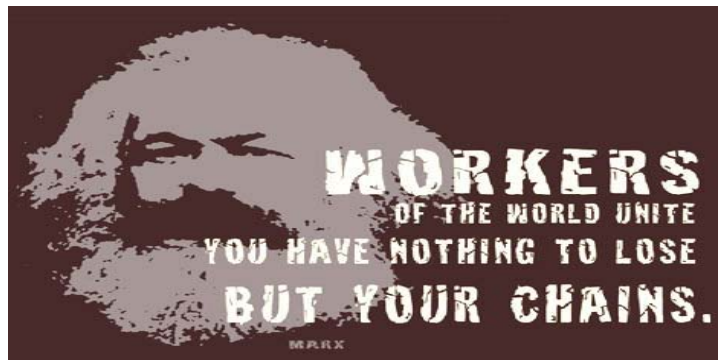
گورش مدرسی: به عکس است. کسی که پیروزی مردم در جنبش سرنگونی را معادل پیروزی طبقه کارگر اعلام کند پوپولیست است. هسته اساسی پوپولیسم این است که میخواهد با اتکا به یک انقلاب همگانی سوسیالیسم را "پیاده کند". این درست جایی است که راست، و پرچم انحلال سوسیالیسم طبقه کارگر در یک جنبش عمومی، با شعار سوپر چپ ظاهر میشود. در همه انقلابات این بوده، در انقلاب ۵۷ این را داشتیم (جریان وحدت کمونیستی و تروتسکیست ها پرچم آن را داشتند) و در انقلاب جاری ایران هم رهبری جدید حزب کمونیست کارگری به آن آویزان شده است.

من قبل در بحث های مختلفی، از جمله در "بلشویسم، منشویسم و لنینیسم"، "انقلاب ایران و وظایف کمونیست ها" و "کمونیست ها و انقلاب" (که همگی در سایت حزب و سایت انجمن مارکس-حکمت قابل دسترس هستند) مفصل در این باره نظر را توضیح داده ام. اینجا مختصر توضیح میدهم.

ما باید از پیروزی مردم در جنبش سرنگونی حرف بزنیم به دو دلیل:

اولا داریم از جنبش سرنگونی حرف میزنیم و نه از انقلاب سوسیالیستی.

جنبش سرنگونی مضمونش همان است که عنوانش نشان میدهد. جنبشی برای سرنگونی جمهوری اسلامی. جامعه ایران در تب و تاب این جنبش میسوزد نه در تب و تاب انقلاب سوسیالیستی. تا وقتی که صف بندی در میان مردم واقعا حول طبقه کارگر و حزب آن پلاریزه



نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

”سازمان دفاع از حقوق بشر در کردستان“ یک نهاد قوم پرست

محمد فتاحی

سیاسی برای پیشبرد پروژه ایجاد تنفر قومی و خونی در جامعه است. بعلاوه، امروز در کردستان صدها هزار جوان کرد زبان هیچ عقیده‌ای به هیچ مذهبی ندارند. فرهنگشان کاملا غیر سنتی و به این معنی فرهنگی تماما غربی است. مردمان زیادی در کردستان هیچ تعلق قومی و خونی برای خود به رسمیت نمی‌شناسند، و هویتی متکی بر داده های محلی، زبانی و سنتی برای خود قایل نیستند. مردمان زیادی هم هستند که برای یک انترناسیون تمام عیار در جامعه بر مبنای ارزشهای اجتماعی انسانگرا تقلا میکنند. هزاران انسان خوش فکر در این جامعه هویتی به جز هویت انسانی برای خود قایل نیستند. بر این مینا تهدیدات این سازمان تنها متوجه ”غیرخودبها“ نیست، بلکه در خود کردستان حداقل صدها هزار زن و مرد و جوان بی دین، سکولار، همجنسگرا، غربگرا، سوسیالیست، کمونیست و... را شامل میشود که هر کدام به نوعی از چهارچوبهایی که سازمان مذکور برای هویت مردم تعیین کرده است، پا را فراتر گذاشته اند. توجه کنید سازمان مذکور حتی آنها که از نظر آنها ”اخلاق کردی“ ندارند تهدید میکند. و شما در نظر بگیرید این تهدید در کردستان امروز چه کسی را شامل نمیشود؟ آیا کسی در جایی از دنیا شنیده است که مردم حتی بر مبنای تفاوت های فرهنگی مورد تهدید قرار بگیرند؟

در حالیکه مردم ایران در یک مبارزه جدی علیه رژیم اسلامی به سر میبرند، و در حالیکه هرگونه خون ریزی بر مبنای تفاوت های قومی میتواند به یک سلسله اقدامات متقابل و ویرانگر توسط قوم پرستان منجر شود، جلوگیری و ممانعت از ایجاد تنفر قومی و خونی مهم است. جلوی فاجعه را باید از قبل گرفت. در نظر بگیرید فردا سازمانهای قومی آذری هم مثل چند سال قبل اعتراض خود به گسترش ”بی رویه“ جمعیت کرد زبانان ارومیه را تکرار کنند و آقای چهرگانی در اینمورد اطلاعیه بدهند، و یا پرونده خونین جنگ ارمنی و ترک در قرن قبل را دوباره مانند دوره ریاست جمهوری خاتمی زنده کنند، چه فضای وحشتی

به مسئولین محترم سایت اخبار امروز با احترام، لازم میدانم بدینوسیله اعتراض شدید خود را به خاطر درج اطلاعیه نهادهی به اسم ”سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان“ در سایت تان به تاریخ دوم مارس را به عرض برسانم. مضمون این اطلاعیه که متن آن در پائین این نامه آمده است، تماما فاشیستی، و علیه موجودیت و زندگی مردمانی است که علیرغم هر فرهنگ و ملیتی، قرنهایست که بدون مشکل در کنار هم زندگی کرده اند. همه میدانیم که یک طرح آماده برای آینده ایران، باد زدن در هویت خونی و قومی مردم برای عملی کردن سناریویی است که در یوگوسلاوی شاهدش بودیم، و امروز در عراق جلوی چشم همگان است. ”سازمان دفاع از حقوق بشر در کردستان“ با این اطلاعیه به روشنی نشان داد که هدف از تشکیلش ایجاد دشمنی خونی بین مردمانی است که به هر دلیلی لهجه، زبان، فرهنگ، ملیت، یا باورهای متفاوت دارند. در ایران امروز، مطلقا هیچ شهر و شهرکی یافت نمیشود که مردمانش تماما یک فرهنگ، یک ملیت، یک زبان، یک تیره، یک دین و یا آئین باشند. در اینصورت، طبق خط و نشانی که این سازمان می کشند، مردم همگی باید وارد جنگ علیه هم شوند. ”سازمان مدافع حقوق بشر کردستان“ به روشنی دارد به همه میگوید که هرکس در همسایگی اش، سر کلاش، محل کارش، در کوچه و در خیابانش از امروز به بعد بنا بر تفاوت های خونی، قومی، زبانی، فرهنگی و... بنای خصومت بگذارند، و خود را برای یک جنگ خونین برای پاکسازی غیر خودبها آماده کند. با این حساب اگر مسئولین محترم سایت اخبار امروز فامیلی، دوستی یا آشنایی و یا اعضای خانواده‌ای در سنندج دارند که اچیانا زبان شان، فرهنگ و یا لهجه شان، دین شان و یا ”خون“ شان ”غیر کردی“ است، باید به فوریت از تهدیداتی که شده باخبرشان کنند، تا هر چه زودتر و قبل از اینکه مامورین پاکسازی قومی سر برسند، از سنندج و استان کردستان بار کنند.

اطلاعیه سازمان مزبور رسماً یک بیانیه

همین دلیل یک نهاد فاشیست است. درخواست رسمی من از مسئولین محترم سایت اخبار روز این است که اولاً به خاطر درج تبلیغات فاشیستی از عموم مراجعین به سایت معذرت خواهی کنند. در ثانی از این به بعد، از درج اطلاعیه‌های این نهاد فاشیست خودداری کنند. شما بهتر میدانید که از نظر تمام موازین روزنامه نگاری در دنیای باز، درج تبلیغات رسماً فاشیستی به هر دلیلی جرم محسوب میشود. در پایان، بطور جدی از تمام آزادیخواهان، همه نهادهای مردمی و همه نیروهای سیاسی مسئول در اپوزیسیون تقاضا دارم که ضمن توقف همکاری با این نهاد قوم پرست و فاشیست، آنرا رسماً محکوم و طرد کنند. از مردم و فعالین سیاسی در داخل شهرهای کردستان تقاضا میکنم ضمن محکومیت این نهاد، تمام همکاریهای خود در گذشته را با آن متوقف کرده و آنرا طرد کنند. باید جلوی پخش ویروس قومی را هرچه زودتر گرفت.

هستی، موجودیت و هویت ملت کرد در امان بماند

مردم شریف ایران و ملت ستم‌دیده کرد

بارز ماده ۲ ”کنوانسیون بین المللی جلوگیری از ژنو ساید“ تلقی می نماید. این سازمان ایراد ضربات و صدمات عمدی به موجودیت ملت کرد، از طریق تغییر در شرایط زندگی و اجتماعی، تخریب و تغییر فرهنگی، زبانی، مذهبی و جمعیتی را در راستی نابودی بنیانهای ملی و هویت ملت کرد در ایران ارزیابی می کند. به نظر این سازمان اجرای هرگونه طرحی با هدف نابودی و فروپاشی حیات فرهنگی و زبانی و اجتماعی، یا احساسات ملی، اتنیکی و مذهبی و یا اقتصادی به مثابه ژنوساید علیه هستی و موجودیت ملت کرد میباشد. بنابراین سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان تمامی نهادها و سازمانهای مدنی، فرهنگی، مراجع مدافع حقوق بشری، ملت کرد و مردم ایران را به اعتراض در برابر این گونه اقدامات فرا خوانده و خواهان توقف فوری و کامل برنامه های در دست اجرا و سیاستهای اتخاذهی دولت در این زمینه است. بدیهی است، این سازمان حق مراجعه به مراجع بین المللی را برای خود و ملت کرد محفوظ می دارد.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان:

۱۰ اسفند ۱۳۸۴ / ۱۱ مارس ۲۰۰۶

تغییر بافت جمعیتی، فرهنگی، ملی، اتنیکی، و مذهبی شهرهای کردستان، اقدام علیه حقوق بشریت و اقدام علیه هستی و موجودیت ملت کرد و مصداق بارز و عینی ژنوساید است.

گزارشگران سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان گزارش میدهند در یک برنامه از پیش تعیین شده و عملیاتی هدایت شده، شهر سنندج، بزرگترین شهر کاملاً کردی، با هدف تغییر در بافت فرهنگی، زبانی، ملی، قومی، مذهبی و اخلاقی و جمعیتی به سرعت در حال دگرگونی است. گزارشگران و منابع مستقل بر این باورند متولیان و مجریان سیاستهای تغییر و تخریب بافت شهرسنندج، اکنون هویت و موجودیت ملت کرد را نشانه رفته اند.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ضمن اعتراض شدید به تغییر بافت جمعیتی شهرهای مناطق کردنشین، تعرض به حیات فرهنگی، اجتماعی، ملی و اتنیکی و مذهبی مردم کرد و اقدامات در شرف انجام، بویژه در شهر سنندج را اقدام علیه بشریت و مصداق عینی و



مذهب توده ها یا طبقه حاکم، هر دو مضرند!



مسلمان یا هندو، همه سر و ته یک کرباسند. باید به دور ریخته شوند باید انسان از این دروغ بزرگ به اسم خدا و دین نجات پیدا کند.

برای مردم آزادیخواه که تحولات را دنبال می کنند این اظهار نظرها حقانیت اعتراض میلیونی آنها را علیه جنگ بیشتر بر جسته میکند. باید بانیان جنگ در دنیا را رسوا کرد. نباید به جنگ دیگری تن داد.

بلر و بوش را باید در کنار سران اسلام سیاسی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه کرد اینها هیچ ربطی به مردم ندارند. مردم اگر سرنوشت خود را بدست بگیرند متحد و متشکل شوند احتیاجی به این مرتجعین ندارند.

از این سایت ها دیدن کنید:

www.javanx.com
www.hekmatist.com
www.oktoberr.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

تماس با ما

دبیر سازمان: جمال کمانگر
jamalkamangar@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

مسردبیر: فواد عبداللہ
foadsjk@gmail.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

بهرام مدرسه
bahramsjk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
 فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۳۲۲۶۱۱۳

جنبش های ارتجاعی در خاورمیانه بنام اسلام سیاسی است که به جان مردم افتاده است که از زمان اشغال عراق تا کنون صدها برابر از سلاح های کشتار جمعی فرضی برای مردم مضرتر هستند. جامعه ۳۰ میلیونی عراق را در رعب و وحشت و کشتار روزانه فرو برده اند.

قرار بود "دمکراسی" به عراق وارد کنند اما در گل گیر کرده اند و برای فرار از این موقعیت منجلابی درست کرده اند که ویروسهای مذهبی، قومی و عشایری امکان رشد و نمو پیدا کنند. در این مسابقه نابودی جامعه عراق دو طرف این کمپ ارتجاعی برای رضای یک خدا این چنین وحشیانه جنایت می کنند.

برای مردم آزادیخواه و متمدن، حرفهای تونی بلر و بوش آن روی سکه ارتجاع جهانی را بیشتر نمایان کرد. این حرفها فراتر از این است که گویا "هیئت حاکمه انگلیس اعتقادات مذهبی را در تصمیمات سیاسی" دخیل کرده اند. اینها با شاه و ملکه و پارلمان و دمکراسی خود بخشی از این نظام ظالمانه هستند که روزانه در جهان جنایت می کنند.

اگر بوش و بلر و خامنه ای و بن لادن و خمینی را کنار پیونشته و شارون میگذاریم دلیلش این است که یکی به نام دین، دیگری بنام نژاد و خون و قوم و قبیله در تباهی معنوی و فیزیکی مردم جهان دست دارند. در لباس مختلف اما قهرمانان یک جنبش هستند.

بی دلیل نیست که جنگ و صلح اینها، شاخ و شانه کشیدن در مقابل هم هیچ ربطی به بهبود زندگی مردم ندارد.

اما هنوز این سناریو در شکلی دیگر قرار است در ایران هم تکرار شود در حال چیدن مهره هایشان هستند! لابد فردا هم اگر مردم ایران را به خاک سیاه نشانند باز هم باید خدای جنگ و نابودی و بی عدالتی در مورد آنها قضاوت کند.

باید هوشیار بود، اشک ریختن اینها در این دوران برای مردم سر سوزنی به بهتر شدن زندگی مردم ربط ندارد یک سری آدم جاهل و آلوده به خرافه مذهبی مقدرات دنیای کنونی را در دست دارند. هدف مردم بلاوسطه این است که سر چشمه آلودگی جهان یعنی دین را از جامعه جارو کنند. مهم نیست طرف به خودش می گوید یهودی یا مسیحی،

اقتداء می کنند. مذهب توده ها یا طبقه حاکم هر دو مضر به حال مردم هستند. در دنیای غرب دین کاربرد خود را در میان هیئت حاکمه از دست نداده است. بلکه با ظاهری امروزی از آن برای گول زدن مردم هنوز مورد استفاده است. دین را در پستوها و تالارهای پارلمان هایشان حفظ کرده اند، تا زمانیکه به سراغش میروند و از آن مدد می جویند. به اظهارات اخیر تونی بلر نخست وزیر انگلیس توجه کنید. اگر به ظاهر کت و شلوار میپوشد و در رأس یک حزب که به اصطلاح کارگری (البته خود جزوی از طبقه حاکمه بورژوازی است) قرار دارد. ولی در عمل "یک مسیحی معتقد" است. فقط در انظار عمومی جامه کشیش ها را نیپوشیده است و گرنه در عمل دست کمی از آنها ندارد! هر هفته مرتب به کلیسا میرود و بابت کارهایی که در طول هفته میکند یا طلب پاداش می کند و یا با خدا آنرا شریک میشود!

تونی بلر در جواب سئوالی در مورد جنگ عراق و دستور اعزام سربازان انگلیسی به جنگ می گوید: که "خدا در مورد تصمیم او قضاوت خواهد کرد" و یا میگوید: "با توجه به اینکه من یک مسیحی معتقد هستم به ندای وجدان خودم پاسخ دادم."

جهت یاد آوری جرج بوش هم قبلا چنین شکر خورده بود که "خدا به وی الهام کرده به جنگ عراق برود".

بله تعجب نکنید که دمکراسی نیابتی و "حق مردم" در سیستمهای به اصطلاح "دمکرات" چقدر موثر است.

البته این یک طرف جنگ تروریستها است. طرف دیگر هم که هر روز به خود بمب می بندد و مردم بیگناه را به خاک و خون میکشد آنها هم به "ندای وجدان مذهبی"شان پاسخ میدهند و قرار است خدا هم در مورد آنها قضاوت کند.

البته قافیه بوش و بلر در مورد حمله به عراق به تنگ آمده است! میخواستند با مهندسی افکار خطر "سلاحهای کشتار جمعی" در عراق را بزرگ جلوه دهند این درحالی است که ثابت شد اصلا وجود نداشته است. نظم نوین جهانی که قرار بود با اشغال عراق باعث عبرت مردم جهان شود. یکی از عوارض آن میدان دار شدن یکی از مخرب ترین و هارترین



جمال کمانگر

وقتی که ما می گوئیم دین در دنیای امروز در خدمت نظام سرمایه داری و یکی از مولفه های به انقیاد کشاندن انسانهاست. خیلی ها بر ما خرده می گیرند که به "مذهب توده ها" نباید انتقاد تند کرد و این جزو "اعتقادات" مردم است. نباید به "باور توده ها" توهین کرد. نقد ما را حمل بر این میدانند که گویا ما خیلی افراطی هستیم. اما اینها یا نادان هستند و یا خود را به نادانی میزنند.

دین در دنیای امروز به بخش انتگره نظام حاکم تبدیل شده است. دستگاه دین برای تطهیر نظام ظالمانه سرمایه داری از جایگاه خاصی در دنیای امروز بر خوردار است. دیگر فرق نمی کند طرف کدام باورهای دینی را با خود حمل میکند. مهم این است همه به یک موجود موهوم با سایه روشنهایی به اسم خدا

**بچه های محل
متشکل شوید،
با ما تماس
بگیرید و به
گارد آزادی
پیوندید!**

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!